

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استاد راهنما: حجت الاسلام خطیبی

گردآورنده: حسین احمدی

آذر ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

## عنوان

فدک در فراز و نشیب

## چکیده

زمین هائی که بدون جنگ به تصرف مسلمین برسند ملک شخی پیامبر صلی الله علیه واله است یکی از آن زمین ها فدک بود که ایشان به دخترشان فاطمه علیها السلام بخشیدند بعد از شهادت پیامبر خلیفه اول فدک را از ایشان غصب کرد ایشان فدک را مطالبه کردند اما نه به خاطر منفعت دنیوی آن بلکه به خاطر ارتباط با مساله امامت و خلافت خلیفه از بانو دلیل خواست در صورتی که او مدعی بود و باید دلیل می آورد اما حضرت شاهدانی آوردند که خلیفه رد کرد و حضرت بار دوم ادعاء کردند فدک ارث است خلیفه حدیثی جعل کرد که بانو جوابش را دادند در آخر نامه ای نوشت و فدک را بازگرداند که خلیفه دوم مانع شد و فدک تا زمان عمر ابن عبد العزیز دست حکومت های غاصب بود و او به فرزندان بانو بازگرداند

## کلید واژه

فدک - هبه - ارث - غصب - ارتباط با امامت - غضب فاطمه علیها السلام - باز پس گیری فدک

## مساله

آیا ادعاء صدیقه طاهره علیها السلام در مورد فدک به حق بود یا نه ؟

## بدنه اصلی

## پیش گفتار

فردی از دانشوران اهل تسنن از طریق اینترنت در خواست گفتگو درباره فدک می کند

به شرط آنکه :

۱. با معیار احساسات نباشد و از منظری که شایسته طرفین است بحث شود
۲. نگاهمان به سوی حق و حقیقت باشد
۳. از منابع موثق و اخبار معتبر اهل تسنن استفاده شود
۴. بی طرف و آزاد اندیش باشیم

پرسش های مطرح شده توسط دانشور اهل تسنن

۱. چرا قضیه فدک این همه مورد توجه علماء شیعه قرار دارد؟
۲. ادعای حضرت زهراء سلام الله علیها در این قضیه مختلف است :
  - گاهی ادعاء دارند که فدک را پیامبر صلی الله علیه و اله به ایشان بخشیده اند
  - گاهی ادعاء دارند فدک ارث است
۳. علی علیه السلام با اینکه محترم است اما همسر حضرت زهراء علیها السلام است لذا شهادت او قبول نیست علاوه بر اینکه او یک نفر است
۴. ابوبکر حدیث { ما پیامبران ارث نمی گذاریم و هرچه باقی بماند صدقه است } را از پیامبر صلی الله علیه و اله شنیده و به دستور ایشان عمل کرده است
۵. حضرت زهراء علیها السلام زنی مانند دیگر زنان است و گاهی خشمگین و گاهی خوشنود می شود لذا فرقی ندارد که به خاطر فدک بر ابوبکر خشمگین شده باشد یا نه
۶. در برخی روایات آمده که ابو بکر بر جنازه حضرت زهراء علیها السلام نماز خوانده است و این یعنی رضایت ایشان از ابوبکر
۷. طبق مبنای شیعیان ، زن از ملک ، ارث نمی برد
۸. حدیثی در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام آمده است که : علماء از پیامبران ارث می برند و پیامبران دینار و درهم به ارث نمی گذارند
۹. اگر حق با حضرت زهراء علیها السلام بوده چرا علی علیه السلام در زمان حکومتش فدک را پس نگرفته است ؟

### نگاهی کوتاه به ماجرای فدک

#### علت توجه خاص به مسائل مربوط به حضرت زهراء علیها السلام :

مسائل صدر اسلام به طور عام و مسائل مربوط به حضرت زهراء علیها السلام به طور خاص و مساله فدک به طور خاص النخاص مورد اهتمام علماء شیعه است به دو علت :

۱. عصمت حضرت و جایگاه آن بانو نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و اله یقینی است
۲. توجه آن بانو و ائمه به مساله فدک به این خاطر ارزش اقتصادی فدک نبوده بلکه به خاطر ارتباط با مساله امامت بوده است

#### عنایت دانشمندان اسلامی در طول تاریخ به مساله فدک :

شریف جرجانی در شرح المواقف : از نظر ما امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله ابوبکر است اما از نظر شیعه علی علیه السلام است دلیل ما : کلام خداوند و پیامبر صلی الله علیه و اله وجود ندارد اما اجماع و اتفاق امت جز بر امامت ابوبکر پیدا نمی شود نکته : شریف جرجانی تصریح می کند که سخن صریحی از خدا و پیامبر صلی الله علیه و اله وجود ندارد شروط امامت طبق نظر ما اهل تسنن که از طریق اجماع علماء ثابت شده است

۱. اجتهاد در اصول و فروع دین
۲. شجاعت
۳. عدالت
۴. عقل
۵. بلوغ

### بخشش فدک به فاطمه توسط پیامبر علیهما السلام :

از روایات به دست می آید که فدک ملک شخصی پیامبر بوده است و ایشان به حضرت زهراء علیهما السلام بخشیده اند

### دو ادعاء :

۱. اموالی که بدون تازاندن اسب و شتر به دست آمده باشد ملک شخص پیامبر صلی الله علیه و اله است که به آنها فیء گفته می شود آیه ششم سوره حشر { ما افاء الله علی رسوله .... } قرطبی در تفسیر الجامع لاحکام القرآن می گوید ایجاف یعنی ایضاع : شتاب نمودن در حرکت چهارپایان . مسلمانان از پیامبر صلی الله علیه و اله خواستند اموال را بین ایشان تقسیم کنند که این آیه نازل شد لذا اموال بنی نضیر ملک شخص پیامبر صلی الله علیه و اله شد و پس از آن حضرت اموال را بین مهاجران تقسیم فرمودند
۲. فدک جزء فیء است<sup>۱</sup>

### بخشش فدک به حضرت زهراء علیها السلام به دستور خداوند بوده است

نویسنده نامه می گوید : از جهت عدالت بین فرزندان نمی توانیم ادعاء حضرت زهراء علیها السلام را قبول کنیم

جواب :

- این اعتراض به پیامبر صلی الله علیه و اله است زیرا ایشان این کار را طبق آیه ۲۶ سوره اسراء به دستور خداوند انجام دادند
- این حرف مشکل غصب ابو بکر را حل نمی کند زیرا در هر صورت تصرف در ملک غیر است

حضرت زهراء مدعی بودند که پیامبر صلی الله علیه و اله فدک را به ایشان بخشیده اند<sup>۲</sup>

- دلیل بانو : وقتی آیه ۲۶ سوره اسراء { آت ذی القربی حقه } نازل شد پیامبر فدک را به حضرت زهراء سلام الله علیهما بخشیدند<sup>۳</sup>

### تا اینجا ثابت شد که :

- پیامبر فدک را به حضرت زهراء علیهما السلام بخشیده اند

- این بخشش به دستور خداوند بوده است

- ابوبکر آن را از حضرت زهراء علیها السلام غصب کرد

○ موید غصب در کلام علماء اهل تسنن :

▪ الصواعق المحرقة : ابوبکر به زور فدک را از حضرت زهراء علیها السلام گرفت

▪ تفتازانی : عمر ابن عبد العزیز فدک را به جائی که به آن تعلق داشت برگرداند

در نتیجه : حضرت زهراء علیها السلام صاحب ید بر فدک بوده اند و معترضی نداشته اند و فقط ابو بکر شاکی بوده و او باید دلیل اقامه کند

وقتی حضرت زهراء علیها السلام اعتراض فرمودند ابوبکر شاهد و دلیل خواست در حالی که در فقه اسلام کسی که مال در دست او است دلیل و شاهد اقامه نمی کند ، ابوبکر اگر حکم را می دانسته و به خلاف عمل کرده ظالم است و اگر نمی دانسته جاهل است و در هر دو صورت شایستگی خلافت ندارد

**اما حضرت زهراء علیها السلام ، امیر المومنین و حسنین علیهم السلام و ام ایمن<sup>۴</sup> را شاهد آوردند :**  
**جایگاه شاهدان مساله فدک :**

● حدیث قطعی که بیش از بیست نفر از صحابه نقل کردند : علی همراه حق است و حق همراه علی است<sup>۵</sup>

● حدیث : حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت اند<sup>۶</sup>

● حدیث : کسی که دوست دارد با زنی بهشتی ازدواج کند با ام ایمن ازدواج کند<sup>۷</sup>

**اما ابوبکر شهادت شاهدان را رد کرد**

**منابع :**

● تفتازانی هنگام بیان ایرادات امامت ابوبکر می گوید

○ یکی دیگر از ایرادها : ابوبکر مانع تصرف فاطمه علیها السلام در فدک شد و این گونه ستم شایسته امام نیست

○ بر فرض که صحت قضیه را قبول کنیم بر حاکم لازم نیست که شهادت یک مرد و یک زن را قبول کند هرچند عصمت داشته باشند

• شریف جرجانی می گوید : شاید ابوبکر اعتقاد داشته در این موضوع شاهد لازم نیست

جواب به این دو نفر :

- بر فرض از عصمت یقینی حضرت زهراء بگذریم
- ابوبکر می توانست با شهادت امیر المومنین علیه السلام حکم کند که اینک پیامبر صلی الله علیه واله در مورد خزیمه ابن ثابت که معروف شد به ذو الشهادتین و عبد الله ابن عمر این کار را کردند
- ابوبکر می توانست علاوه بر شهادت امیر المومنین از حضرت زهراء علیهما السلام سوگند بخواهد که اینک پیامبر صلی الله علیه واله این کار را کردند
- خداوند شهادت امیر المومنین علیه السلام را به تنهائی قبول کرد
  - سیوطی در تفسیر آیه هفده سوره هود به این مطلب اذعان می کند
- ابوبکر حضرت زهراء و امیر المومنین را تذکیب کرد اما جابر را تصدیق کرد : بخاری در کتاب الاجاره باب من تکفل عن میتا دینا به این مطلب اذعان کرده است .

دفاع اهل حدیث از ابوبکر :

- کرمانی از طحاوی : علت تصدیق ابوبکر خبر جابر را این حدیث است : کسی که به عمد بر من دروغ ببندد جایگاهش در آتش است و قطعاً فردی مثل جابر شامل این حدیث نمی شود
- ابن حجر : علت پذیرش این است که پذیرش خبر از یک صحابی عادل است

سوال : واقعا جایگاه جابر بالاتر است یا صدیقه طاهره علیها السلام !؟

**وقتی ادعاء حضرت زهراء علیها السلام قبول نشد ایشان بار دیگر به عنوان ارث مطالبه فدک فرمودند :**

با قبول نکردن ادعاء قبلی بانو فدک تا آخر عمر دست پیامبر صلی الله علیه واله بوده است و جزء ما ترک ایشان است و حضرت زهراء علیها السلام تنها وارث اند

ابوبکر نمی توانست این کارها را بکند :

- بگوید فدک جزء فیء نیست
- منکر شود حضرت زهراء علیها السلام تنها فرزند است
- ارث بانو را انکار کند

اما برای غصب فدک مصمم بود لذا دست به حدیث جعلی زد و حضرت زهراء عليها السلام خطبه خواندند و ابوبکر بکر نامه ای درباره فدک نوشت که آن نامه را عمر پاره کرد<sup>۸</sup>

## نقد و بررسی حدیث انحصاری

انا معاشر الانبياء لا نورث و ما تركنا صدقه ما جماعت انبياء ارث نمیگذاریم هر چه هست صدقه است<sup>۹</sup>

### چند موضوع :

۱. چه کسی بیشتر به این حدیث نیاز داشت ؟

این حدیث را فقط ابوبکر نقل کرده و حضرت زهراء عليها السلام و هیچ کدام از همسران پیامبر صلی الله علیه و اله نقل نکرده اند ابوبکر هیچ نیازی نداشته است به این حدیث و حتی احتمال ارث بردن او نمی رود چرا پیامبر صلی الله علیه و اله این حدیث را فقط به کسی بفرمایند که هیچ نیازی ندارد

۲. دو حدیث انحصاری دیگر از ابوبکر :

• ائمه از قریش هستند { الائمه من قریش }

چگونه ممکن است مطلب به این مهمی که به سرنوشت مسلمانان ربط دارد را پیامبر صلی الله علیه و اله به ابوبکر فرموده باشند ؟

شاید بگوئیم این همان حدیث الائمه من بعدی اثنا عشر کلهم من قریش است ولی سوالی مطرح است : اگر این حدیث را انصار شنیده بودند چرا در سقیفه جمع شدند ؟ اگر شنیده اند و مخالفت کردند پس فاسق اند

• انبیاء هر کجا بمیرند همانجا دفن می شوند { الانبياء يدفنون حيث يموتون }

ادله رد این حدیث :

- ابوبکر بیشتر از علی علیه السلام به این حدیث نیاز نداشته است
- ابوبکر جنازه پیامبر صلی الله علیه و اله را رها کرد و به سقیفه رفت برای ادعای ریاست در این صورت چه کسی از او در مورد محل دفن پیامبر صلی الله علیه و اله سوال کرد ؟
- طبق وصیت پیامبر کار های دفن ایشان به عهده امیر المومنین علیهما السلام بوده است

۳. قرآن این حدیث را تکذیب می کند و هر چه که خلاف قرآن باشد مردود است :

- آیه ۱۶ سوره نمل
- آیه ۴ و ۵ سوره مریم

- اشکال : این آیات را حمل می کنیم بر نبوت و علم  
- جواب :

- نبوت علم از امور ارث بردار نیست و به شایستگی فرد ربط دارد

- آیات قرآن این حرف را رد می کنند : کلا اتینا حکما و علما درباره داود و سلیمان
- علماء اهل تسنن تصریح کرده اند که منظور از این آیات مال است

۴. تکذیب حدیث توسط امیر المومنین علیه السلام و عباس ، منابع :

- صحیح مسلم کتاب الجهاد باب فیء : عمر به عباس و علی علیه السلام گفت : شما نزد ابوبکر آمدید و طلب میراث کردید و او گفت از پیامبر صلی الله علیه واله شنیدم که ما انبیاء ارث نمی گذاریم و شما او را دروغگو و خطاکار خائن و پیمان شکن می دانستید
- بخاری همین حدیث را نقل کرده اما قسمت او را خطاکار و .. دانستید را حذف کرده است و در قسمت های دیگر به طرق مختلف تحریف کرده است

۵. تکذیب عملی توسط عمر : صحیح بخاری و مسلم : عمر در زمان حکومت خود فدک را به علی علیه السلام و عباس برگرداند

#### چند نکته :

- ظاهرا منظور امیر المومنین علیه السلام و عباس فدک بوده لذا است که ضمیر ها آمده
- مطالبه امیر المومنین به نیابت از حضرت زهراء علیهما السلام بوده و عباس به عنوان ارث بوده است
- عمر فدک را برگرداند به شرطی که ... و این یعنی تکذیب حدیث انا معاشر الانبیاء چرا ابوبکر آن را به این شرط برگرداند

چند چیز در حدیث را نمی توان باور کرد :

- بردن داوری پیش عمر
- توهین عباس به امیر المومنین علیه السلام
- برگرداندن فدک توسط عمر زیرا او همکار ابوبکر بوده است

نکته : منظور امیر المومنین علیه السلام و عباس خود فدک نبوده است بلکه حکومت بوده همان طور که منظور حضرت زهراء نیز چنین بوده است .

#### اضطراب علماء عامه :

- مازری : ظاهر این ماجرا شایسته عباس نیست



- ابن ابی الحدید : اینکه عباس و علی علیه السلام آمده باشند فقط فدک را طلب کنند نه حکومت را مشکل است زیرا ابوبکر از همان اول ریشه این کار را برید و عمر نیز همکار او بود چطور ممکن است آنان نزد عمر بیایند برای موضوعی که هیچ امیدی به آن نیست

۶. مطالبه ارث توسط همسران پیامبر صلی الله علیه و اله :

همسران پیامبر صلی الله علیه و اله عثمان را نزد ابوبکر فرستادند و طلب ارث کردند و عایشه فهمید و به آنان گفت مگر پیامبر صلی الله علیه و اله نفرمود ما انبیاء ارث نمی گذاریم و آنان راضی شدند<sup>۱۰</sup>

۷. تکذیب حدیث توسط ابوبکر

• رفتارها :

- همینکه نامه ای نوشت برای برگرداندن فدک به حضرت زهراء علیها السلام تکذیب حدیث است
  - حکم ابوبکر در رابطه با اشیاء جامانده از پیامبر صلی الله علیه و اله یعنی چیز هائی که برای امیر المومنین علیه السلام باقی ماند مثل شمشیر و عمامه و مرکب ، موجب تکذیب حدیث می شود<sup>۱۱</sup>
  - گفتارها : ابوبکر گفت : برای هیچ چیز در دنیا ناراحت نیستم جز برای سه کار که انجام دادم ای کاش ترک کرده بودم و سه کار که ترک کرده بودم ای کاش انجام می دادم و سه چیز ای کاش از پیامبر صلی الله علیه و اله می پرسیدم
    - ای کاش با خانه فاطمه کاری نداشتیم
    - ای کاش از پیامبر صلی الله علیه و اله می پرسیدم خلافت برای کیست
- نکته : کسی که در شایستگی خود برای امامت شک دارد چگونه در کارها تصرف می کند ؟

۸. تکذیب عملی توسط عمر ابن عبد العزیز : عمر ابن عبد العزیز در زمان حکومتش فدک را به فرزندان حضرت زهراء

علیها السلام برگرداند و این کار تکذیب عملی کار ابوبکر است

۹. تکذیب حدیث توسط حافظ ابن خراش : این حافظ بزرگ راویان حدیث مثل مالک ابن اوس را به دروغگوئی متهم

کرده است

نظرات مختلف درباره ابن خراش :

- ذهبی : ابن خراش حافظ و فاضل و ناقد است
- بکر ابن محمد : ابن خراش به من گفت برای اخذ حدیث مجبور شدم پنج بار ادرار خود را بنوشم
- ابونعیم : در قدرت حافظه مثل ابن خراش ندیدم
- ابن عدی جرجانی : ابن خراش چیزهائی در مورد شیعه چیزهائی گفته که امیدوارم تعمد بر دروغ نداشته باشد از عبدان شنیدم ابن خراش دو جلد کتاب در عیوب شیخین نوشته است
- ابو زرعه : عیوب شیخین را نقل کرده و رافضی است
- ابن عدی : به ابن خراش گفتم حدیث ما ترکنا چگونه است ؟ گفت مالک ابن اوس به دروغگوئی در رابطه با این حدیث متهم است

• ذهبی : از جاهلان رافضی است که حدیث نمی فهمد ... در سال ۲۸۳ به غیر رحمت خدا از دنیا رفت

**نکته** ای در رابطه با ابن خراش : علماء اهل تسنن جائی که به نفعشان بوده به سخنان ابن خراش عمل کرده و او را توثیق کرده اند و جائی که به نفعشان نبوده عمل نکرده یا حرف او را تحریف کرده اند .

## نگاه حضرت زهراء به غاصبین فدک

**مقدمه اول :** حضرت زهراء علیها السلام تا لحظه آخر عمر حق خود را طلب می کردند و در حالی از دنیا رفتند که بر ابوبکر خشمناک بودند و وصیت کردن شبانه دفن شوند و هیچ کدام از آن گروه بر ایشان نماز نخواند<sup>۱۲</sup>

ماجرای غصب فدک و خشم بانو و اتفاقات بعد آن برای عده ای سخت بود لذا حدیثی جعل کردند از زبان فرزندان بانو که ابوبکر بر حضرت نماز خواند ، ابن حجر تصریح به بطلان این حدیث کرده است

**مقدمه دوم :** خشم فاطمه علیها السلام خشم خدا است

صاحب نامه گفته : فاطمه علیها السلام زنی مانند دیگر زنان است و چه فرقی می کند که بر ابوبکر خشم گرفته باشد یا نه ؟

جواب : پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند : ای فاطمه خداوند به غضب تو غضبناک می شود و به خوشنودی تو خوشنود می شود<sup>۱۳</sup>

## بررسی سه مورد مهم

### • شیعه از زمین به زن ارث نمی دهد :

صاحب نامه گفته : طبق نظر شیعه زن از زمین ارث نمی برد این مطلب را کلینی در کافی و طوسی در تهذیب و مجلسی در بحار النوار نقل کردند

جواب : منظور از زن همسر است نه جنس زن که شامل دختر نیز بشود ، در کافی بحث ارث نبردن زن بعد از این عنوان ذکر شده : مردی که بمیرد و وارثی جز همسر نداشته باشد همچنین در ذیل عنوان زن از زمین ارث نمی برد یازده روایت آمده که یکی این است زن از شوهرش از زمین ارث نمی برد

### • حدیث : ان النبیاء لم یورثوا دینارا و لا درهما

صاحب نامه گفته : کلینی در کافی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند : علماء وارثان انبیاء اند ، انبیاء درهم و دینار به ارث نگذاشته اند ولی علم به ارث گذاشتند پس کسی که از آن بگیرد سهم زیادی برده است و مجلسی به نقل کلینی می گوید سند این حدیث حسن یا موثق است

جواب : ما حدیث را قبول داریم اما به معنی درستش نه معنایی که صاحب نامه برداشت کرده که مثل حدیث جعلی ابوبکر است

- لم یورثوا در این روایت خود دال بر این است که فدک در زمان حیات پیامبر به حضرت زهراء علیهما السلام رسیده است

- در روایات فریقین آمده که پیامبر صلی الله علیه واله چیز هائی به ارث گذاشتند

معنی حدیث : پیامبران نیامده اند که مال جمع کنند و برای وارثان خود بگذارند و این منافات ندارد با اینکه آنها لوازم زندگی شان باقی بماند به عنوان ارث

این روایت اشاره دارد به حال برخی از صحابه که به ثروت اندوزی دچار شدند :

- طلحه هنگام مرگش یک میلیون و دویست هزار درهم نزد خزانه دارش بود و اموالش سی میلیون درهم قیمت داشت در حالی که در آغاز جزء فقیران بود همسرش اسماء دختر ابوبکر نقل می کند که هنگام ازدواج جز اسبش چیزی نداشت
- زبیر پنجاه میلیون درهم املاک و پنجاه میلیون اعیان به ارث گذاشت
- عبد الرحمن ابن عوف نزد ام سلمه رفت و گفت می ترسم از دنیا بروم در حالی که اموالم از کثر قریش بیشتر است زمینی برای خود خریده ام چهل هزار دینار ام سلمه فرمود انفاق کن

اما عده ای دیگر از اصحاب که شایستگی امامت را داشتند هیچ سیم و زری به ارث نگذاشتند ، امام حسن فردای خاکسپاری امیر المومنین علیهما السلام به این نکته اشاره فرمودند

### • چرا علی علیه السلام در دوران حکومتش فدک را پس نگرفت ؟

- امیر المومنین علیه السلام نامه ای می نویسند به سهیل ابن حنیف : از تمام آنچه آسمان بر ان سایه انداخته بود فدک برای ما بود که عده ای آن را غصب کردند ... من با فدک چه کار دارم وقتی فردای هر کس قبر است
- امام صادق علیه السلام در جواب فرمودند : .... امیر المومنین علیه السلام خوش نداشتند چیزی را پس بگیرند که خداوند غاصبش را کیفر کرده و ان را که حقش غصب شده جزا داده است

### نتیجه گیری

فدک ملک پیامبر صلی الله علیه و اله بود و ایشان در زمان حیات خود به حضرت زهراء علیها السلام بخشیدند مساله فدک و غصب آن ارتباط مستقیم با مساله امامت دارد گرفتن فدک توسط ابوبکر قطعاً غصب بوده حدیث نحن معاشر الانبیاء قطعاً جعلی است

### منابع :

- قرآن

- نهج البلاغه
- الاحسان بترتيب صحيح ابن حبان
- الاحكام السلطانيه . دار الكتاب علميه
- الاحكام فى اصول الاحكام . دار الكتاب عربى
- الاستيعاب . دار الكتاب علميه
- اسد الغابه . دار الكتاب علميه
- الاصابه . دار الكتاب علميه
- الامامه و السياسه . مؤسسه نشر و پخش حلبى و شركاى او
- الاموال . دار الفكر
- انسان العيون . دار المعرفه — مكتبه تجارى كبرى
- البدايه و النهايه . التراث العربى و مؤسسه التاريخ العربى
- تاريخ الخلفاء . منشورات شريف رضى
- تاريخ الطبرى . منشورات كتابفروشى اروميه
- تاريخ بغداد . دار الكتاب علميه
- تاريخ دمشق الكبير . دار الفكر
- التدوين فى اخبار قزوين . دار الكتاب علميه
- تذكره الحفاظ . دار احياء التراث العربى
- التفسير الكبير . دار الفكر
- تفسير قرطبى . دار احياء التراث العربى
- تهذيب الاحكام . دار الكتب اسلاميه
- تهذيب الاسماء و اللغات . دار الفكر
- جامع الاصول . دار الفكر
- حليه الاولياء . دار الكتاب علميه
- الخصائص . مجمع احياء الثقافه الاسلاميه
- الدر المنثور فى التفسير بالمأثور . دار الكتاب علميه
- ربيع الابرار و نصوص الاخبار . منشورات شريف رضى
- السنن {ابن ماجه} . دار الجبل
- السنن {ابوداود} . دار الكتاب علميه
- السنن الكبرى . دار الكتاب علميه
- سير اعلام النبلاء . مؤسسه الرساله
- الشافى فى الامامه . اسماعيليان
- شرح السنه . مكتب اسلامى
- شرح المختصر . مكتبه اميريه

- شرح المقاصد . منشورات شريف رضى
- شرح المواقف . منشورات شريف رضى
- شرح كرماني بر صحيح بخارى . دار احياء التراث
- شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد . دار احياء التراث العربى
- الصحيح بخارى . دار ابن كثير
- الصحيح ترمذى . دار الفكر
- الصحيح مسلم . موسسه عز الدين
- الصواعق المحرقة . مكتبه قاهره
- طبقات الحفاظ . دار الكتاب علميه
- الطبقات الكبرى . دار الكتاب علميه
- العقد الفريد . دار الكتاب العربى
- عمده القارى فى شرح البخارى . دار الفكر
- فتح البارى فى شرح صحيح البخارى . دار الكتاب علميه
- فتح القدير . عالم الكتاب
- فواتح الرحموت . مطبوع در حاشيه المستصفى
- الكافى . دار صعب - دار التعارف
- كشف الاسرار فى شرح اصول البيزوى
- كنز العمال . دار الكتاب علميه
- لسان الميزان . دار الكتاب علميه
- مجمع الزوائد و منبع الفوائد . دار الفكر
- المحصول فى علم الاصول . دار الكتاب علميه
- مراصد الاطلاع على اسماء الامكنه و البقاع . دار احياء الكتب
- مرآت العقول . دار الكتب اسلاميه
- المستدرک على الصحيحين . دار الكتاب علميه
- المستصفى فى علم الاصول . دار الكتاب علميه
- المسند حافظ ابويعلی موصلى . دار المامون للتراث
- المسند اسحاق ابن راهويه
- المسند احمد حنبل . دار احياء تراث العربى
- مشكل الاثار
- المصنف . دار الفكر
- المعجم الاوسط . دار الحرمين
- معجم البلدان . دار الكتاب علميه
- المعجم الكبير . دار احياء التراث

- المغنی فی الامامه
- الملل و النحل . دار السرور
- المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم . دار الكتاب علمیه
- میزان الاعتدال . دار الكتاب علمیه

<sup>1</sup> علمائی از اهل تسنن که به این مطلب اذعان داشته اند

- مفسران مثل فخر رازی : در تفسیر آیه شش سوره حشر این سوال مطرح است که : اموال بنی نضیر بعد از جنگ به دست آمده چه اینکه آنان چند روز محاصره بودند لذا باید غنیمت حساب شوند ؟
- جواب : این آیه در مورد آبادی های بنی نضیر نازل نشده است و شاید در مورد فدک نازل شده است
- حدیث نگاران و مغازی نویسان : زهری / ابن اسحاق / جوهری
- مورخان و جغرافی نویسان :
- یاقوت حموی : در حجاز روستائی وجود داشت که در سال هفتم هجری بدون نبرد یعنی به صورت فیء در اختیار پیامبر صلی الله علیه و اله قرار گرفت این قضیه زمانی بود که پیامبر صلی الله علیه و اله به جنگ خیبر رفته بودند و قلعه ها فتح شدند جز سه قلعه که محاصره شدند آنها پیکی نزد پیامبر صلی الله علیه و اله فرستادند و درخواست کردند که حضرت به آنها فرصت دهند که زمین خود را ترک کنند پیامبر صلی الله علیه و اله قبول کردند خبر به اهالی فدک رسید آنها نیز درخواست کردند که با نصف اموالشان مصالحه کند و پیامبر صلی الله علیه و اله قبول کردند و فدک به ملک شخص ایشان در آمد و این همان است که فاطمه علیها السلام به ابوبکر فرمود که پیامبر صلی الله علیه و اله به ایشان بخشیده است ابو بکر گفت شاهد می خواهم بعد از ابو بکر عمر به اجتهاد خود تصمیم داشت به ورثه پیامبر صلی الله علیه و اله برگرداند که علی علیه السلام و عباس بر سر آن اختلاف کردند و اختلاف خود را نزد عمر بردند و عمر گفت من شما را به حال خود وا می گذارم اما بعد ها عمر ابن عبد العزیز آن را به فرزندان فاطمه علیها السلام برگرداند به سخنان علی علیه السلام و عباس می توان استدلال کرد که فدک ملک پیامبر صلی الله علیه و اله بوده است
- مرصده اطلاع : خداوند فدک را بدون نبرد به پیامبرش صلی الله علیه و اله واگذار کرد

<sup>2</sup> منابع اهل تسنن

- شهرستانی در ملل و نحل : اختلاف ششم درباره فدک است که حضرت زهراء علیها السلام یکبار ادعاء ارث و بار دیگر ادعاء ملکیت دارد
- تفسیر رازی
- الریاض النضره

<sup>۳</sup> حافظان اهل تسنن که این موضوع را روایت کردند: ابوبکر بزاز / ابویعلی موصلی / ابن ابی حاتم رازی / ابن مردویه اصفهانی / حاکم نیشابوری / ابو القاسم طبرانی / ابن نجار بغدادی / نور الدین هیثمی / شمس الدین ذهبی / جلال الدین سیوطی / علی متقی هندی

<sup>۴</sup> کسانی که حضور ام ایمن را هنگام مطالبه حضرت زهراء گزارش کردند: فخر رازی / ابن حجر مکی / حلبی شافعی / یاقوت حموی / سمهودی مدنی / قاضی ایجی / جرجانی

<sup>۵</sup> محدثانی که این حدیث را ذکر کردند: ترمذی: صحیح ترمذی ح ۳۷۱۴ / حاکم نیشابوری: المستدرک ح ۴۶۲۹ - ۴۶۱۱ / ابویعلی / بزاز / طبرانی / خطیب بغدادی / ابن عساکر / زمخشری

منابع: <sup>۶</sup> الخصائص / سنن ترمذی ح ۳۷۶۸ / مسند احمد / مستدرک حاکم / معجم الکبیر طبرانی / معجم الاوسط طبرانی / مسند ابویعلی / المصنف / سنن ابی ماجه / حلیه الاولیاء / الاحسان / مشکل الاثار طحاوی / شرح السنه بغوی

<sup>۷</sup> منابع: طبقات الکبری و الاصابه

<sup>۸</sup> منابع: احمد ابن ابی طاهر در بلاغات النساء / احمد ابن عبد العزیز در السقیفه و فدک / محمد ابن عمران مرزبانی / احمد حنبل / بخاری: کتاب المغازی غزوه خیبر / مسلم: کتاب الجهاد و السیر

<sup>۹</sup> علمائی که تصریح کردند این حدیث را فقط ابوبکر نقل کرده:

- محدثان: ابوالقاسم بغوی / ابوبکر شافعی / ابن عساکر / سیوطی / ابن حجر مکی / متقی هندی
- اصولیون: قاضی عضد الدین ایجی / فخر رازی / غزالی / آمدی / علاء الدین بخاری / عبد العلی انصاری / نظام الدین انصاری
- متکلمین: قاضی ایجی: شریف جرجانی / تفتازانی

منبع: عبد الرزاق از معمر از زهري از عروه و عمره

کسانی با این سند نقل کردند: رافعی / ابن راهویه / بلاذری / یاقوت حموی / بخاری / مسلم / احمد / نسائی

<sup>۱۱</sup> روایان: احمد حنبل / قاضی عبد الجبار معتزلی / ابن ابی الحدید / قاضی ابویعلی ابن فراء / ابوبکر جوهری / فضل ابن روزبهان / ابن کثیر

<sup>۱۲</sup> روایان: بخاری در باب فرض خمس / مسلم در کتاب الجهاد و السیر / ابن سعد در طبقات الکبری / ابوجعفر طحاوی در شرح معانی الاثار / طبری در تاریخش / حاکم نیشابوری / ابوبکر بیهقی / ابونعیم اصفهانی / ابن عبد البر قرطبی / محی الدین نووی / ابوبکر هیثمی / ابن اثیر جزری / ابن حجر عسقلانی

---

۱۳ راویان : ابوموسی ابن مثنی مصری / ابوبکر ابن ابی عاصم / ابویعلی موصلی / ابوالقاسم طبرانی / حاکم نیشابوری / ابوسعید خدری / ابونعیم اصفهانی / ابوالحسن ابن اثیر / محب الدین ابن نجار بغدادی / سبط ابن جوزی / محب الدین طبری / ابوحجاج مزنی / ابن حجر عسقلانی / ابن حجر مکی / علی متقی هندی / ابوعبدالله زرقانی مالکی